

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقر در آینه ی عرفان

تألیف:

م. ی. بیرانوند

دکتر ناصر کاظم خانلو

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)



انتشارات شکر

سرشناسه	: بیرانوند، نسرین، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: فقر در آینه‌ی عرفان/ تألیف نسرین بیرانوند، ناصر کاظم خانلو.
مشخصات نشر	: همدان: انتشارات سکر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۳ ص.
شابک	: 978-600-7538-31-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۹۹-۱۰۳.
موضوع	: فقر (تصوف)
موضوع	: فیلسوفان اسلامی -- دیدگاه درباره فقر
موضوع	: فقر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	: کاظم خانلو، ناصر، ۱۳۵۸ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۴۷ ف۹۷/۲/ب۲۸۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۱۸۹۰۰

فقر در آینه‌ی عرفان

نسرین بیرانوند، ناصر کاظم خانلو

ناشر: انتشارات سکر



انتشارات سکر

چاپ و صحافی: سرافراز

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

شابک: 978-600-7538-31-9

صفحه آرای: لیلا عواطفی اکمل

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۱۶۵۰۰۰ ریال

«تمامی حقوق برای ناشر و مؤلفان محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱۳		مروری بر عرفان و تصوف اسلامی
۱۳		عرفان
۱۴		تصوف
۱۵		ارتباط عرفان و تصوف
۱۶		تفاوت عرفان و تصوف
۱۷		تاریخچه عرفان اسلامی
۱۹		موضوع عرفان
۲۰		مشخصات عرفان
۲۰		جایگاه عرفان در قرآن و سنت
۲۱		عرفان نظری
۲۲		عرفان عملی
۲۲		مقامات عرفانی

فصل دوم: فقر

۲۷		فقر در لغت و اصطلاح تصوف
۲۸		فقر در عرفان
۳۰		فقر مادی
۳۳		فقر در قرآن
۳۵		فقر محمدی

فقر در حدیث و گفتار ائمه (ع) ۳۹

فصل سوم: درویشی

- تعریف درویشی ۴۵
- درویشی از دیدگاه حدیث ۴۶
- درویشی از دیدگاه عرفا ۴۸

فصل چهارم: فقر از دیدگاه عرفا

- فقر از دیدگاه ابوسعید ابوالخیر ۵۷
- نیاز از دیدگاه ابوسعید ابوالخیر ۶۱
- فقر از دیدگاه خواجہ عبدالہ انصاری ۶۱
- غنا از دیدگاه خواجہ عبدالہ انصاری ۶۴
- فقر از دیدگاه ہجویری ۶۵
- غنا از دیدگاه ہجویری ۶۹
- غنای حق ۶۹
- غنای خلق ۶۹
- موازنہ فقر و غنا در کشف المحجوب ہجویری ۷۰
- فقر از دیدگاه ابوالقاسم قشیری ۷۲
- فضیلت فقر از دیدگاه قشیری ۷۳
- فقر معنوی از دیدگاه قشیری ۷۴
- فقر مادی از دیدگاه قشیری ۷۶
- ایثار از منظر قشیری ۷۸
- کتمان فقر از منظر قشیری ۷۸
- فقر از دیدگاه عطار ۷۹
- فقر از دیدگاه مولوی ۸۵
- رابطہی قناعت و فقر از دیدگاه مولانا ۸۷
- رابطہی زہد و فقر از دیدگاه مولانا ۸۸
- تقابل فقر مادی و فقر معنوی از دیدگاه مولانا ۸۸

- ۸۹ رابطه‌ی فقر و فنا از دیدگاه مولانا
- ۹۰ غنا از دید مولانا
- ۹۲ موازنه‌ی فقر و غنا از دید مولانا
- ۹۳ برتری فقر بر غنا از دیدگاه مولانا
- ۹۴ فقر از دیدگاه حافظ
- ۹۴ قناعت
- ۹۷ فقر از دیدگاه عبدالرحمن جامی
- ۹۷ ایثار فقرا از دید جامی
- ۹۹ منابع و مآخذ
- ۹۹ الف) کتاب‌ها
- ۱۰۳ ب) مقالات

عرفان، برترین نوع معرفت نسبت به برترین حقیقت هستی است. به تعبیر قدما، عرفان به سبب شرافت موضوع آن اشرف علوم است. به نظر می‌رسد که گرایش به عرفان ریشه در فطرت انسان داشته باشد. از این‌رو عرفان، جاذبه‌ای بی‌مانند دارد و بسیاری از تشنگان کمال در طلب آن سر از پا نمی‌شناسند. عرفا بر این عقیده‌اند که نفس انسان باید مراحل را طی کند تا به حق و حقیقت برسد. قبل از اینکه عرفان و اندیشه‌ی والای عارفان به دنیای ادبیات، نظم و نثر فارسی وارد شود، عرصه‌ی ادبیات از داشتن معانی بلند بی‌ بهره بود و اغلب مضامین آن به مدح امرا، وزرا، ممدوحان و یا توصیف طبیعت تعلق داشت؛ اما با ورود افکار عاشقانه - زاهدانه‌ی عرفای بزرگ، ادب فارسی وسیله‌ای شد برای بیان مقاصد والای عرفانی و اخلاقی.

بی‌گمان شایسته‌ی تحت‌ترهنگ غنی و پربار گذشته‌ی ما ایرانیان بدون آشنایی با مسائل مربوط به تصوف و عرفان، مقدور نیست. آنچه ما را بر آن می‌دارد که در این راه کوششی مضاعف داشته باشیم غبار ابهامات و وسوسه‌هاست که کم‌وبیش در مورد عرفان و تصوف داریم. شاید بتوان گفت که شطحیات و لاف و سخنان صیقل‌ناپذیر، پیچیدگی‌های اصطلاحات و مفاهیم عرفانی و دسته‌بندی‌ها و خرافه‌گویی‌هایی که با تصوف آمیخته، از علل گریز و دوری ما از مسائل مربوط به تصوف باشد. با این حال نباید فراموش کنیم که عرفان و تصوف چنان با فرهنگ ما درآمیخته است که بی‌توجهی به آن بی‌توجهی به همهی مفاهیم فرهنگی و پشته‌های علمی، ادبی کشور عزیز ماست.

مقوله فقر در ادبیات عرفانی از آن چنان اهمیتی برخوردار است که معمولاً در تأملات و تحقیقات عرفا به عنوان یک دانش فراگیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. فقر یکی از موضوعات مهمی است که نه تنها در حوزه‌ی عرفان بلکه در حوزه‌ی ادبیات هم مورد توجه قرار گرفت و هم در عرفان نظری و هم عرفان عملی به آن پرداخته شد.

پیدایش شعر عرفانی فارسی تحولی بزرگ در تاریخ ادب پارسی و شعر تصوف اسلامی به شمار می‌رود، چرا که در اینجا از یک‌سو مفاهیم و تعالیم عرفانی به زبان فارسی مجال بروز و ظهور بیشتری یافت و بخشی از مهم‌ترین آثار عرفانی شعر فارسی پدید آمد و از سوی دیگر افق‌های تازه‌ای بر روی شاعران فارسی‌زبان گشوده شد و دریافت‌ها و مفاهیم عرفانی دستمایه‌ی این سخنوران گردید و مضامین بلند و متنوعی در شعر فارسی شکل گرفت؛ اما تأثیرپذیری شاعران پارسی‌گوی از این جریان فکری متفاوت بود؛ برخی از آنان شعر را به طور کامل برای

بیان مفاهیم و دریافت‌های صوفیانه به کار بردند و آثار محض عرفانی پدید آوردند و عده‌ای دیگر به طرح اصطلاحات و مطالب عرفانی در کنار دیگر مضامین و مفاهیم پرداختند.

«فقر» یکی از مراحل سیر و سلوک عرفانی و در لغت به معنای نیاز و احتیاج است و در اصطلاح صوفیه، نیازمندی به خدا و بی‌نیازی از غیر اوست. «فقر و غنا» در ادبیات ایران و به خصوص در آثار عرفانی، سابقه‌ای کهن و جایگاهی والا دارد. فقر در لغت به معنای درویشی و نداری و «غنا» نقطه مقابل آن و به معنی توانگری، بی‌نیازی و دولتمندی است. سالک در این وادی به صفت عدم اصلی و فقر ذاتی خود برمی‌گردد و به آن اقرار می‌کند. فقر از مسائل مهم عرفانی است و علاوه بر شاعران که در دیوان‌های خود به آن اشاره کرده‌اند خود عرفا نیز در این زمینه نظر پردازی می‌کنند.

www.ketab.ir

جستجو و تحقیق در مباحث عرفان اسلامی و گرایش به آشنایی و شناسایی عارفان و ماجراهای صوفیانه ایشان توجه به ماجرای بزرگ یگانه‌ای است که سال‌ها افق مشرق زمین را منور می‌ساخت و تابش اشعه‌های نورانی آن هنوز نه تنها مشرقیان بلکه مغرب‌نشینان را نیز محظوظ می‌سازد. تحقیق در سخنان و رفتار عرفا، همواره شیوه‌ی زندگانی و سلوک را، به جویندگان می‌آموزد در بسیاری از احوالات این بزرگان که بیشتر مشرب فکری عرفانی آنها بیان شده است نکات آموزنده‌ای وجود دارد که راهنمای زندگی متعالی هر انسانی می‌تواند باشد.

نه تنها پژوهندگان عرصه‌ی تفکر و اندیشه از شناخت مبانی عرفان و تصوف و کیفیت تأثیر آن بر روند اندیشه‌گزینی ندارد که اهل ادب و فرهنگ و تاریخ نیز، برای کشف رمز و راز متون ادبی، زمینه‌ی فکری دگرگونی‌های اجتماعی و عوامل مؤثر در تکوین هویت فرهنگی این سرزمین از پژوهش در باب عرفان و تصوف بی‌نیاز نیستند. تأمل در احادیث و مآثورات سلف متصوفه یکی از راه‌های قابل اعتماد دستیابی به چنین معرفت و شناختی است، مآثورات و اقوال این مشایخ به مثابه‌ی دره‌های عرفانی، چکیده‌ی آزمون‌ها و آموزه‌ها، سیر و سلوک و کشف و شهود آنان شمرده می‌شود و چون گونه‌گون متصوفه به یک تعبیر چیزی جز شرح و بسط و تأویل و تفسیر این اقوال و مآثورات نیست (خانلو و بیرانوند، ۱۳۹۳: ۳).

مولوی، سعدی و حافظ، سنایی، عارفی، رودکی، پیرایش‌یافتگان این دریای بیکران علم و ادب و عرفانند. آنچه مسلم است، مفاهیم الهی‌انسان عرفان و تصوف و اخلاقیات و تزکیه و تهذیب عارفانه چیزی نیست که انسان پاک‌سرشت از آن روی بردارد. باشد و یا طی طریق و صعود و عروج انسان خاکی به جانب حق برای انسان تعالی طلب نا غلبه و ناخوشایند جلوه کند. شاید آنچه ما را از گرایش به این سمت و سو باز می‌دارد، علاوه بر موارد فوق کم‌اطلاعی از موضوعات عرفانی و همچنین روزمرگی و مشغله‌های زندگی است. «در دوره‌های متأخر فرهنگ غرب، انسان عصر ما را دائم به گرایش‌های اهریمنی و ضد انسانی وسوسه می‌کند و دین وی را از توجه به آنچه در ماورای زندگی حقیر هر روزینه‌اش قابل تصور به نظر می‌رسد، غافل و منصرف می‌دارد، طرح این‌گونه مباحث می‌تواند برای دنیای انسانیت مایه خرسندی و دلنوازی گردد و انسان ره گم کرده‌ی دنیای ما را از خذلان و وانهادگی یأس‌آمیز که فلسفه‌های بیمار گونه‌ی غربی در عصر ما آن را القاء می‌کنند برهاند و تا حدی به افق‌های روشن‌تر وسیع‌تر یک انسانیت والا سوق دهد» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۲۸).

اینکه بسیاری از عرفا و اهل صوفیه در این راه قدم برداشته و جان و مال خود را بر سر این راه نهاده‌اند، خود نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوع است. با این حال می‌خواهیم «دور از شایبه‌ی هر گونه شوق و نفرت در باب این جریان فکری و رفتاری به شناخت و ارزیابی عینی دست یابیم» (همان، ۳۰)

اگر تعدادی از فقها و علمای معروف با تصوف و صوفیه به مبارزه برخاسته‌اند و اینکه عده‌ای از حکما و متألهان نامی ضمن آنکه مدعیان بی‌حقیقت را در مسیر این طریقت به باد طعن و انتقاد گرفته‌اند، قسمتی از مبادی فکری آن را احیاناً قابل تأیید یافته‌اند، اهمیت و لزوم جستجویی در از حب و بغض را در شناخت عناصر گونه‌گون این پدیده نشان می‌دهد.

دو واژه عرفان و تصوف در میانی نظری تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته‌اند. هر دو به طریقه‌ای روحانی گفته می‌شده است که در آن فرد با تکیه بر مبانی شریعت و با تهذیب نفس و اعراض از تمایلات نفسانی و متاع دنیوی از طریق سیر و سلوک باطنی کمال نفس را غایت معنوی و سرانجام وصول به حق را سرلوحه‌ی حیات معقول خویش قرار می‌دهد. از واژه‌های عرفان و معرفت و عارف در متون اسلامی فراوان استفاده شده است و واژه‌های اصیل و اسلامی هستند. احادیث و روایات این واژه‌ها به دور یافت می‌شود؛ اما در قرن اول هجری نشانی از واژه‌های تصوف و صوفی در متون اسلامی دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد واژه‌های دخیل عربی باشند که غالباً فارسی‌زبانان آن‌ها را بکار برده‌اند و این دیدگاه در بین برخی محققین وجود دارد که: «عرفان یک جهان‌بینی روحانی و یک ساختار فرهنگی است که به مرور زمان یک بعد اجتماعی و فرقه‌ای به نام تصوف در پناه آن ظهور کرده است».

«فقر» واژه‌ای است قرآنی که در ذهن و زبان عارفان مسلمان خردان به کار رفته است در قرآن کریم نه تنها از فقر به عنوان ردیلت یاد نشده است بلکه خداوند در آیه ۲۷۳ سوره بقره، فقیرانی که در راه حق دچار مشکل شده‌اند ستوده است و همواره آنان را مورد سفارش اکید قرار داده است علاوه بر آن در آیه‌ی ۷ سوره علق حضرت حق غنا را به عنوان عامل سرکشی و طغیان انسان، معرفی کرده و او را از حب دنیا بر حذر داشته است این‌گونه تحزیرات و سفارش‌ها کافی بود تا عارفان واژه فقر را جزء اصطلاحات خاص خود قرار دهند. از جمله اصطلاحاتی که در معنی لفظی خود، چنان‌که مصطلح است به کار نرفته است واژه فقر است. فقر یکی از منازل اساسی سلوک محسوب می‌شود و به جرأت می‌توان گفت؛ کمتر کتاب عرفانی وجود دارد که به این مبحث نپرداخته باشد. عرفا فقر را مانند دیگر مصطلحات تصوف با تعاریف مختلف بیان داشته‌اند و هر یک به زبانی در تبیین آن کوشیده است.